جلسه 672

سه شنبه 29/09/90

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللّعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث راجع به جواز احتیاط در عبادات بود. نقل کردیم از مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی قده که استدلال کردند به صحیحه ابی ایوب خزاز بر عدم جواز احتیاط. که در این صحیحه فرموده: إنّ شهر رمضان فریضة من فرائض الله فلا تؤدوا بالتظنی. ماه رمضان فریضة الله است پس نباید آن را با ظن و گمان اداء بکنید. یعنی در یوم الشک شما یقین ندارید که امروز روزه واجب است، پس نباید امروز را شما به عنوان ماه رمضان روزه بگیرید مطلقا. یعنی حتی به قصد احتیاط هم نباید شما قصد صوم شهر رمضان بکنید. راهش این است که قصد صوم مستحب بکنید اگر واقعا ماه رمضان بود فذلک یوم وفّق له. این العلة تعمم می گوید هر فریضه ای از فرائض خدا همین حکم را دارد. حج هم نمی دانی که مستطیع هستی، پس به قصد حجة الاسلام احتیاطا نرو، به قصد حج مستحب برو. حالا بعد اگر کشف شد که بر تو حج واجب بوده دیگر آنجا ذلک حجٌّ وفّق له که نداریم، آنوقت باید ببینیم علی القاعده این حجی که به عنوان مستحب آوردید مجزی از حجة الاسلام هست یا نیست که بحث فقهی می شود. یا شک داریم در اثناء نماز که وظیفه مان چیست، حالتی پیش می آید که نمی دانم این کلمه را باید به این شکل بگویم یا به آن شکل، و هر دوی آنها را هم نمی توانم بگویم، یا برفرض بتوانم بگویم اما إن الصلاة فریضة من فرائض الله فلا تؤدوا بالتظنی با ظن و گمان اداء کردن واجب صحیح نیست، به رجاء و احتیاط انجام دادن فرائض صحیح نیست.

ما در جواب غیر از اینکه عرض می کنیم که این اگر هم تمام بشود بیش از اینکه در فرائض الله این مطلب را بیان می کند که لا تؤدوا بالتظنی، بیش از این استفاده نمی شود. اینکه میرزای شیرازی احتیاط را مطلقا در عبادات با فرض تمکن از علم تفصیلی نامشروع می دانند، خب عبادات همه اش که فرائض الله نیست. خب غسل میت سنة النبی است، یا مستحبات خارجند از فرائض الله. فرض و سنت از اول در روایات ما تقسیم بندی شده، این روایت شامل سنن النبی نمی شود مثل غسل میت و رکعت سوم و چهارم نمازهای یومیه و امثال ذلک. مستحباتی هم که در قرآن آمده اینها معلوم نیست فرائض الله باشد، چون فرائض محتمل است مراد از آنها ما اوجبه الله باشد. و من اللیل فتهجد به نافلة لک را خود قرآن می گوید نافلة لک معلوم نیست که ظهور داشته باشد فریضة من فرائض الله که شامل کل ما امر به فی القرآن و لو امرا ندبیا بشود. ولذا نوافل و سنن النبی اینها خارجند از محدوده این صحیحه.

قطع نظر از این مطلب ما عرض کردیم ما دو احتمال در این صحیحه می دهیم:

احتمال اول: اینکه بگوئیم تظنی به معنای اتباع ظن است. کسی که چون گمان دارد امروز روز اول ماه رمضان است قصد می کند صوم شهر رمضان را قصدا جزمیا، به قصد امر جزمی، کما اینکه برخی از عامه اینطور می کردند، خب این می شود اتباع ظن. اما کسی که به قصد احتیاط قصد می کند صوم شهر رمضان را، یا به قصد امتثال امر فعلی روزه می گیرد، یا به قصد صوم رمضان روزه می گیرد اما احتیاطا و رجاءا، خب این مشمول اتباع ظن نمی شود، اینکه اتباع ظن نمی کند این اتباع می کند امر به احتیاط را إما امرا وجوبیا أو امرا استحبابیا.گ

احتمال دوم: این است که بگوئیم مراد از این روایت نهی از صوم شهر رمضان در یوم الشک نیست. مراد الغاء حجیت ظن است در باب شهر رمضان. چون سؤال ابی ایوب این بوده است که: کم یجزئ فی رؤیة الهلال؟ قال إن شهر رمضان فریضة من فرائض الله. در رؤیت هلال شهادت چند نفر لازم است؟ حضرت فرمود که ماه رمضان فریضة الله است آن را با ظن اداء نکنید، یعنی ظن اعتبار ندارد در اثبات شهر رمضان. کنایه است، فلا تؤدوا بالتظنی یعنی ظن برای اثبات ماه رمضان اعتبار ندارد.

این با وجه اول فرق می کند. در وجه اول گفتیم اتباع عملی نکنید ظن را. یعنی اگر در یوم الشک صوم به عنوان و قصد صوم شهر رمضان جزما روزه گرفتید آن روزه باطل است و نهی دارد. وجه دوم این است که این روایت اصلا کاری با روزه ما ندارد، این روایت ارشاد به عدم حجیت ظن است در اثبات ماه رمضان. چرا ما این را عرض می کنیم؟ چون عرض کردم سؤال از اعتبار شهادت در رؤیت هلال است که چند نفر باید شهادت بدهند. چون عامه مثل ابوحنیفه می گفتند اگر هوا صاف باشد باید پنجاه نفر شهادت بدهند که ما ماه را دیدیم. خب سؤال این بود که چند نفر باید بگویند ما ماه را دیدیم؟ حضرت فرمودند با گمان ماه رمضان ثابت نمی شود. در صحیحه محمد بن مسلم آمده است که: إذا رأیتم الهلال فصوموا وإذا رأیتموه فافطروا، ولیس بالرأی (یعنی محاسبات جومی و فلکی) ولیس بالتظنی، اینها کافی نیست، ولکن بالرؤیة. در معتبره اسحق بن عمار آمده است که فی کتاب علی علیه السلام: صم لرؤیته و افطر لرؤیته و ایاک والشک و الظن. این بعید نیست که مفادش این باشد که یعنی در باب صوم شهر رمضان ظن به شهر رمضان کاشف از وجود شهر رمضان نیست خلافا لبعض العامة که می گفتند ظن کافی است. مثلا احمد بن حنبل می گوید اگر هوا ابری باشد در یوم الشک ما حکم می کنیم که یوم الشک از رمضان است. که از عبدالله بن عمر هم روایتی در این رابطه هست. که خود یوم الشک در هوای ابری این کافی است برای اینکه بگوئیم امروز ماه رمضان است، وتعبیر احدم بن حنبل این است که وجب صومه و یحکم بأنه من رمضان. خب این روایات در این زمینه وارد شده است، در همچنین زمنیه ای اگر روایت بیاید بفرماید إنّ شهر رمضان فریضة من فرائض الله فلا تؤدوا بالتظنی احتمال عرفی دارد که می خواهد بفرماید که ظن حجت نیست در باب صوم شهر رمضان چون فریضة الله است. بله اگر سنت بود چه بسا ظن اعتبار داشت، مثل ظن به عدد سه و چهار در نمازهای چهار رکعتی که معتبر هست. فی الجمله ظن در سنن اعتبار دارد ولی ظن در فرائض اعتبار نداشته باشد.

سؤال وجواب: محل بحث است، بعضی ها ولعله المشهور می گویند ظن در عدد رکعت اول و دوم نمازهای یومیه یا ظن در نمازهای دو رکعتی وسه رکعتی اعتبار ندارد، چون روایت دارد که: من شک فی الاولیین اعادهما حتی یحفظ و یکون علی یقین.

این هم معنای دومی که به ذهن ما می آید که مفاد این روایات ارشاد است به عدم اعتبار ظن در اثبات ماه رمضان. نه اینکه اگر شما در یوم الشک گفتید إن کان من رمضان فاصوم صوم شهر رمضان احتیاطا بگوئیم این صومت باطل است. یا از این هم بالاتر بگوئیم، بگوئیم نه من می دانم امروز ماه رمضان است، ولی شک کردم که وظیفه من الان چیست، چون نمی دانم مسافر هستم یا نیستم که اگر مسافر باشم روزه بر من واجب نیست، اگر من احتیاطا روزه بگیرم بگوئید روزه ات باطل است چون لاتؤدوا بالتظنی صوم شهر رمضان را با گمان نمی شود گرفت، شما احتمال می دهی که روزه بر تو واجب باشد چه جور روزه می گیری؟ یقین که نداری. از روایت این را نمی شود استفاده کرد. و اگر بخواهید استفاده کنید عدم جواز احتیاط را در عبادات که این بیچاره ای که در سفر نمی داند روزه بر او واجب است یا نه می خواهد احتیاطا روزه بگیرد بگوئید این احتیاط تو نامشروع است، اینجوری بخواهید بگوئید دیگر نباید بگوئید با فرض تمکن از امتثال تفصیلی و علم تفصیلی به وظیفه شرعیه ما می گوئیم احتیاط باطل است. نه، اگر این روایت دلیل شماست این روایت در موردی است که تمکن از علم تفصیلی عادة نبود، یوم الشک بود، یوم الشک معمولا قابل تحصیل یقین نیست، چون آنهایی که می روند استهلال می کنند می آیند خبرها را می آورند ثابت نمی شود که امروز اول ماه رمضان است، معمولا دیگر راهی برای ثبوت نداریم، تمکن از علم تفصیلی نداریم، اگر روایت می گوید باز هم احتیاط نامشروع است این معنایش این است که احتیاط در عبادات نامشروع است حتی با فرض عجز از تحصیل علم تفصیلی به احکام شرعیه در عبادات و هذا مما لم یلتزم به احد.

آقای سیستانی این روایت را در بحث اجتهاد و تقلید مطرح می کنند که عرض کردم اصلش را مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی مطرح کرده که در حاشیه مشکینی این مطلب را از ایشان نقثل کرده، آقای سیستانی هم مطرح کرده اند وخواسته اند جواب بدهند. ایشان جواب دیگری داده اند غیر از آن دو جوابی که ما عرض کردیم.

جواب ایشان این است که اصلا یک اشتباه رائجی است که ظن معنا می شود به احتمال راجح. ظن به معنای احتمال راجح نیست، بلکه ظن به معنای قطع ناشی از تقصیر در مقدمات هست. اصلا ظن یعنی قطعی که ناشی باشد از مناشئ غیر عقلائیه. به این می گویند ظن، والا احتمال راجح همان شک است. اینکه در قرآن می فرماید: إن یتبعون الا الظن، ما لهم بذلک من علم إن هم الا یظنون و امثال ذلک، این یعنی اینها یقینشان به حقانیت مذهبشان ناشی از تقلید آباء وکبراء هست نه ناشی از مناشئ صحیحه. والا شما را به وجدانتان این فرق ضاله اکثرا آیا فکر می کنید قطع ندارند به درست بودن راه خودشان؟ اکثرا این فرق ضاله ای که ما دیدیم وهابیتی که ما می بینیم وقتی به ما نگاه می کنند آنچنان با حقد و کینه نگاه می کنند که اصلا یقین دارند که ما مشرکیم. اینطور نیست که اینها احتمال راجح بدهند که حرف خودشان درست است ولی سی درصد هم احتمال می دهند که ما شیعیان بر حق باشیم. نه اینطور نیست، اکثرا حاضر است خودش را مفجر کند و شیعه ها از بین بروند شهید بشوند او هم فکر می کند که شب می رود با حورالعین همبستر می شود، اینجور فکر می کنند. بعد هم برایشان مجلس ترحیم می گیرند همین برادران ما در کشورهای اسلامی. در کشورهایی مثل اردن و اطراف اردن برای همینها مجلس فاتحه گرفتند و در مجالسشان مسئولین دولتی شرکت کردند. به قول آقای سیستانی اینها اکثرا قطع دارند به درست بودن راه خودشان، منتهی قطعی است که ناشی است از مقدمات غیر صحیحه.

ولذا ایشان فرموده اند که ظن به معنای قطع ناشی از مناشئ غیر صحیحه است.

وقتی اینجور شد روایت می گوید که فلا تؤدوا بالتظنی مبادا با قطع ناشی از مقدمات غیر صحیحه مثل قطع ناشی از شهرت بدون منشأ صحیح، قطع ناشی از گفتار بزرگترها، قطع ناشی از گفتار فلکیین، با اینها یک وقت روزه نگیرید.

ایشان می گوید ممکن است شما بگوئید پس این نهی برای چی صادر شد؟ مگر مردم در آن زمان می گفتند در یوم الشک ما به عنوان یقین به صوم شهر رمضان روزه می گیریم؟

ایشان می گوید بله، اصلا در بین عامه بحث در این بوده که در یوم الشک ما به عنوان جازم روزه بگیریم، ولذا بعضی ها تصریح کرده اند گفته اند اگر در یوم الشک جزم نداشته باشی در نیت صوم شهر رمضان روزه ات باطل است، باید جازما هم قصد کنی. یوم الشک است باید جازما هم قصد کنی که امروز ماه رمضان است و روزه بگیری تا روزه ات صحیح بشود. ابن قدامه در مغنی از احمد بن حنبل همین را نقل می کند که باید با یقین و جزم به نیت در روز شک انسان روزه بگیرد، یعنی باید انسان بنا بگذارد که امروز روز ماه رمضان است و روزه بگیرد. این مورد بحث بوده است. ولذا روایت این را نهی می کند. ایشان هم در فتاوایشان دارند می گویند: اگر کسی در یوم الشک بگوید من روزه می گیرم إن کان شهر رمضان فیکون صوم شهر رمضان این روزه صحیح است و مشکلی ندارد. این روایت که از این نهی نمی کند، این قصد رجائی است. روایت از قصد رجائی نهی نمی کند. روایت از قصد جزمی نهی می کند. حضرت امام ره هم در فتاوایشان دارند که اگر کسی در یوم الشک قصد جزمی بکند بگوید اصوم هذا الیوم بعنوان صوم شهر رمضان، این باطل است، ولی اگر بگوید إن کان شهر رمضان فصوم شهر رمضان و الا فصوم مندوب، این صحیح است. در مقابل فرمایش مرحوم آقای خوئی و استاد که می فرمودند همین روزه که با این حالت نیت می شود که إن کان هذا شهر رمضان فاقصد صوم شهر رمضان والا فاقصد صوما مستحبا، باطل است، فرموده اند این مشمول روایات است که لاتصم من رمضان، در یوم الشک صم من شعبان ولاتصم من رمضان. فقط می توانی بگوئی من امروز روزه می گیرم به قصد امر فعلی. این را اجازه داده اند. اما اگر بگوئی إن کان من رمضان فصوم شهر رمضان، این مشمول روایتی است که می گوید لاتصم من رمضان، یوم الشک را به عنوان رمضان روزه نگیر مطلقا ولو به همین نحو که بگوئی إن کان هذا الیوم من رمضان فاقصد صوم شهر رمضان. اما حضرت امام وآقای سیستانی فرموده اند این اشکال ندارد، این روایت ناظر است به آن فقصد جزمی صوم شهر رمضان.

اقول: ما عرضمان به آقای سیستانی این است که: اولا: ظاهر لفظ ظن همان احتمال راجح است. قلت ما ندری ما الساعة ان نظن الا ظنا و ما نحن بمستیقنین، این یعنی چه؟ یعنی شما گفتید که ما قطع مان ناشی از مقدمات صحیحه نیست. چه کسی حاضر است اعتراف بکند که قطع من ناشی از مقدمات صحیحه نیست؟! این یعنی ما یقین نداریم بلکه گمان می کنیم که قیامت چه روزی هست.

یا در صحیحه زراره دارد فإن ظننت أنه اصابه و لم اتیقن ذلک، زراره چه می گوید؟ آیا زراره می گوید من قطع پیدا کردم که این لباس من نجس شده ولی ناشی از مناشئ صحیحه نبود؟ یا نه، می گوید من یقین پیدا نکردم احتمال راجح دادم.

اصلا در لغت ظن را به معنای قطع ناشی از مناشئ غیر صحیحه نگرفته اند، آنی که در لغت هست این است که می گویند ظن دو معنا دارد: یکی معنا احتمال راجح است ویکی به معنای علم. ورأی المجرمون النار و ظنوا أنهم مواقعوها لغویین گفته اند یعنی و علموا. و ظنوا أن لا ملجأ من الله الا الیه. الذین یظنون أنهم ملاقوا ربهم و آیات دیگر. گفته اند اینها به معنای علم است.

پس ظن یک معنای رائج دارد که همان احتمال راجح است، ویک معنای دیگری دارد که با قرینه استعمال می شود که همان علم است، که در فارسی می گوئیم فکر می کند. الذین یظنون أنهم ملاقوا ربهم یعنی فکر می کنند که ملاقات می کنند با پروردگارشان. و شاید نکته استعمالش هم این باشد که یعنی اینجا جائی است که آدم نهایتا ظن پیدا می کند، اکثر مردم اصلا خبری از آخرت ندارند، مؤمنین امتیازشان این است که ظن به ملاقات خدا دارند. این نمی خواهد بگوید که یقین ندارند، بلکه می خواهد بگوید که باز صد رحمت به مؤمنین، بقیه که اصلا بی خبرند از آخرت، اینها باز اقلا به فکر آخرت هستند، یظنون أنهم ملاقوا ربهم. یعنی چون مطلب مهمی هست که خیلی ها غافلند آنوقت امتیاز مؤمنین را در همین حد می کنند که یظنون أنهم ملاقوا ربهم. به این عنایت ظن را در موارد علم به کار برده اند، یعنی به این عنایت که می خواهد بگوید که اکثر مردم حتی ظن هم ندارند، غافلند. چون مطلب مهمی بوده و نوع مردم غافل بوده اند و می خواهند امتیاز مؤمنین را بگویند، اینجا عرفی است که بگویند یظنون أنهم ملاقوا ربهم، فکر می کنند که ملاقات می کنند با خدا. این خیلی مهم است. به این عنایت اراده شده است از ظن در این آیات همان معنای علم و فکر کردن. و این قرینه خاصه می خواهد. لولا القرینه ظن یعنی احتمال راجح. این موارد قرینه هم ظن به معنای یقین ناشی از مقدمات غیر صحیحه نیست، الذین یظنون أنهم ملاقوا ربهم معنایش این نیست که یقین ناشی از مناشئ غیر عقلائیه دارند. نه، از همان یقین از مناشئ صحیحه در این آیات تعبیر شده به ظن به قرینه خاصه. ولولا القرینة الخاصة ظهور عرفی ظن همان احتمال راجح هست.

وآنی که ایشان فرموده اند که ظن به معنای یقین ناشی از مناشئ غیر صحیحه، این را ما در هیچ لغتی پیدا نکردیم. فقط ماند آن آیاتی که راجع به کفار می گوید إن هم الا یظنون، آنها هم نفی ادعائی است، مثل یا اشباه الرجال و لا رجال که نفی ادعائی است. برای اینکه می خواهد بفرماید که اینها از روی فکر صحیح یقین پیدا نکردند تعبیر می کند إن هم الا یظنون. این بخاطر نفی ادعائی است، و الا از نظر عرفی همانطور که ایشان می فرماید اکثر فرق ضاله بخاطر تربیت خانوادگی که پیدا کردند اینها یقین پیدا می کنند منتهی یقین از مناشئ غیر صحیحه.

وشاید هم ما بگوئیم آیات قضیه خارجیه است، این هم احتمالش هست. آیات ناظر بوده اند به مشرکینی که اطراف پیغمبر بودند. آنها با دیدن معجزات پیامبر شک و تردید به دلشان راه پیدا کرده بود. حالا الان بله اصلا آنها پغمبری ندیدند امام معصومی را ندیدند، خدا را هم نمی شناسند که بگوئیم خدا شاهد است، خب به اینها چه بگوئیم؟ به اینها از اول گفتند شیعه ها رافضی و مشرک هستند بچه هایشان همینجوری با این دید به ما نگاه می کنند، بزرگ هم که می شوند همین حالت را دارند. اما در زمان پیغمبر این همه معجزه دیدند از پیغمبر، خیلی از اینها «وجحدوا بها و استیقنتها انفسهم». بقیه هم که یقین نداشتند به حقانیت پیامبر آنها شک و تردید در دلشان راه پیدا کرده بود. می تواند قضیه خارجیه هم باشد، که اگر قضیه خارجیه باشد دیگر نمی شود ادعا کنیم که اکثر اینها اعتقاد جازم داشته اند به حقانیت راه خودشان. قضیه خارجیه بوده، در آن زمان بخاطر دیدن معجزات پیامبر واقعا شک و تردید می کردند. اگر هم قضیه حقیقیه باشد عرض کردم نفی ادعائی است، چون عرفا ما هر چه فکر می کنیم ظن را به یقین ناشی از مناشئ غیر عقلائیه اطلاق کردن عرفی نیست. ولذا می بینید در روایت می گوید که: صم لرؤیته و افطر لرؤیته وایاک و الشک و الظن، خب شک و ظن را در مقابل هم ذکر کرد. ظنی که در کنار شک گفته می شود چیست؟ احتمال راجح است دیگر. شک احتمال متساوی الطرفین است وظن احتمال راجح است.

مطلب دیگری که در رابطه با فرمایش ایشان عرض می کنم این است که: ایشان فرمودند مورد بحث در صوم یوم الشک صوم همراه با جزم به نیت بوده است.

اولا این درست نیست که مبحوث عنه فقط این بوده است. شیخ طوسی در خلاف از شافعی نقل می کند که می گوید: یکره افراد قبله من صیام الایام، می گوید مکروه است که آدم که قبلا روزه گرفته یوم الشک روزه نگیرد. ابوحنیفه می گوید: إن صامه تطوعا لم یکره، إن صامه علی سبیل التحرز لرمضان حذرا أن یکون منه فهذا مکروه. اگر کسی در یوم الشک روزه بگیرد که مبادا یک وقت امروز ماه رمضان باشد و از من فوت بشود این مکروه است. خب ابوحنیفه می گوید اگر صوم مندوب می گیری مکروه نیست، ولی اگر روزه می گیری که مبادا روز ماه رمضان باشد و از من فوت بشود این مکروه است. آیا این صوم جازم را می گوید مکروه؟ نه، حذرا أن یکون منه فهذا مکروه. ابوحنیفه می گوید یوم الشک اگر به قصد روزه مستحب روزه بگیری عیب ندارد، اما اگر روزه بگیری به قصد احتیاط، علی سبیل التحرز لرمضان حذرا أن یکون منه یعنی به قصد احتیاط فهذا مکروه، اصلا در این موارد بحث از صوم با جزم در نیت نیست.

علامه در تذکره می گوید: لو نفی فی یوم الشک أنه إن کان من رمضان فهو واجب و إن کان من شعبان فندب لم یصح، اگر کسی بیاید امروز اگر ماه رمضان باشد روزه ماه رمضان، اگر ماه شعبان باشد روزه مستحب، این صحیح نیست، شافعی هم می گوید صحیح نیست، چون شرط صحت جزم در نیت است که این آقا ندارد. شافعی می گوید کسی که به قصد احتیاط روزه بگیرد در یوم الشک صحیح نیست چون فاقد شرط صحت است که جزم در نیت است، آنوقت ما بیائیم بگوئیم که عامه بحث شان این بود که می گفتند در یوم الشک به قصد جزمی روزه بگیرید؟! شافعی می گوید به قصد احتیاط روزه بگیری روزه ات باطل است، چون جزم در نیت نداری. محل بحث فقط قصد جزمی در نیت نبود، همان قصد احتیاطی بود که شافعی می گوید روزه به قصد احتیاط باطل است، علامه می گوید باطل است.

اینکه آقای سیستانی می فرماید در یوم الشک اصلا محل بحث آنجایی بود که طرف روزه می گرفت با جزم در نیت، یک عده می گفتند صحیح است ویک عده می گفتند باطل است و ائمه علیهم السلام هم می گفتند باطل است. نه آقا، اصلا شافعی در آن صوم احتیاطی می گوید باطل است. علامه می گوید اگر کسی بگوید إن کان هذا الیوم من رمضان فصوم رمضان و إن کان من شعبان فصوم شعبان همینی که آقای سیستانی وحضرت امام فرموده اند صحیح است، علامه همین را می گوید باطل است ومی گوید یکی از فتواهای شیخ هم این است که این باطل است و به قال الشافعی، شافعی همین را گفته باطل است. بعد بگوئیم اصلا اینها محل بحث نبوده است؟! ابوحنیفه هم همین را گفت باطل است. وکلمات دیگران را هم نقل کردیم که مالکیه می گوید: إن صام یوم الشک احتیاطا بحیث ینوی أنه إن کان من رمضان احتسب منه و إن لم یکن من رمضان کان تطوعا فإن تبین أنه من رمضان فلایجزئ عنه. می گوید اگر قصد صوم احتیاطی داشتید در یوم الشک و بعدا معلوم شد ماه رمضان است مجزی نیست.

پس مبحوث عنه صوم احتیاطی هم بود که یک سری از اینها می گفتند همین صوم احتیاطی باطل است، ولی احمد بن حنبل جور دیگری می گوید که بعدا عبارتش را می خوانیم.

و این را توجه بکنید آن مطلب اول آقای سیستانی این بود که ظن یقین ناشی از مناشیئ غیر عقلائیه است، و حالا ایشان می فرماید که مورد بحث صوم با قصد جازم است. و ما عرض کردیم اینها با هم فرق دارد. ما هم قبول داریم که آن روایتی که می گوید فلا تؤدوا بالتظنی یعنی صوم به قصد جازم نگیرید، اما معنایش این نیست که اعتقاد جازم داشته باشید یا نداشته باشید. آن بحث دیگری است که فلاتؤدوا بالتظنی مورد اعتقاد جازم نیست، بلکه همین یوم الشک را ممکن است روایت بگوید با جزم در نیت روزه نگیرید. این را ما به عنوان احتمال اول قبول داریم، اما این ربطی به این ندارد که ایشان بفرماید که مورد بحث در جائی بود که مردم یقین داشتند امروز ماه رمضان است از روی مناشئ غیر عقلائیه. خب اگر مردم یقین داشتند که یوم الشک نمی شد. بقیة الکلام انشاءالله روز شنبه.